

ایمن نبودن مسیرهای ورود و فرار از

داغ پروانه‌ها

یکی دیگر از غمبارترین حوادثی که در اثر ازدحام جمعیت به وقوع پیوست، مرگ سه کودک و زخمی شدن هفت کودک دیگر در سال ۹۱ برمی گردد که قرار بود در آن تعدادی از کودکان در مراسم جشن خاله شادونه که در خرمدره برگزار می شد، شرکت کنند. شده بود تا خانواده ها بلیت مراسم را از فرهنگسراها، کتابخانه ها و مراکز فرهنگی شهر تهیه کنند. سالنی که مسؤولان در نظر گرفته بودند، فقط، گنجایش سه هزار نفر را داشت، اما با توجه به حجم استقبال، مسؤولان تصمیمی برسانند. آنها برگه های سفیدرنگ را به قسمت های کوچک تری تقسیم کرده و با مهر کردن، آن را به عنوان بلیت به فروش رساندند. قرار بود برنامه ساعت پنج روز ۲۱ اردیبهشت ماه شروع و ساعت هفت شب هم تمام شود. برنامه بخیر و برای خروج به سمت درخروجی سالن هجوم بردند. یکی از شاهدان این حادثه که دختر کوچولویی فاصله ای با مرگ نداشت، برای دیدن بچه ها به طبقه پایین برویم تا بچه ها را تحویل بگیریم. مادرها از سمت بالای سالن و بچه ها از پایین به سمت ها ناگهان جمعیت به سمت ما هجوم آورد و از پله افتادیم. جمعیت زیادی روی ما افتاد. حدود ۱۰ دقیقه چشم هایم را بستم، فم چشم خودم دیدم که دخترم چشم هایش را بست و به سختی نفس می کشید. بالاخره پس از چند دقیقه، جمعیت زیادی که شاهد صحنه های خیلی بدی بودم. حتی چهره بچه هایی که زیر دست و پا خفه شده بودند به شدت وحشتناک شده بود. من منتقل کردند. دخترم مدتی در کما بود، اما کمی بعد به صورت معجزه آسایی چشم هایش را باز کرد.»

حادثه خبر نمی کند. در مترو باشد یا استادیوم ورزشی، شهرسازی یا مجلس عروسی، هر جایی و با هر شکل و شمایل

لیلا حسین زاده

تپش

در آن لحظه خاص بحرانی فقط به این فکر می کنند که به سمت خروجی هجوم برده و هر طور شده جان شان را بربارند و از مهلکه بگریزند.

عده ای که اغلب جوان هستند، موفق به فرار می شوند، اما برخی دیگر مانند کودکان یا کهنسالان که توان فرار ندارند، زیر دست و پا می مانند و متاسفانه به راحتی جان خود را از دست می دهند.

این هفته با مرور حوادث مرگباری که به خاطر ازدحام جمعیت رخ داده است به بررسی دلایل وقوع این حوادث مرگبار پرداخته ایم.

تلا



حادثه دردناک دی افتاد، درست زمان عروسی مانگه ش مراسم جشن پس ساعتی بعد وقتی عروسی بودند، نا منفجر شد و آ درحالی که صدای سالن را پر کرده هجوم بردند. هرکسی سعی م اما همین تلاش زبردست و پا جان آنها کودک بودند. مداوا به بیمارستا

بازی مرگ

دیداری از سری رقابت های مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان که ساعت ۱۸ روز جمعه پنجم فروردین ماه سال ۸۴ برگزار شد هم دست کمی از حوادثی که در برخی از استادیوم های ورزشی دنیا اتفاق می افتد و در جریان آن تعدادی از تماشاگران کشته می شوند، نداشت. در این دیدار تاریخی که با حضور بازیکنانی مانند ابراهیم میرزاپور، محمد نصرتی، یحیی گل محمدی، رحمان رضایی، مهدی مهدوی کیا، جواد نکونام، علی دایی، حسین کعبی، فریدون زندی و.. برگزار شد، هفت تماشاگر به نام های رحیم شفاعت، سید رحیم سید هاشمی، مجتبی ابراهیم زاده، هادی ربیعی، بهروز صدوقی، امید چوبدار خوشخو و محمد جعفری با پرچم های سه رنگ، آمده بودند تا فوتبالیست های تیم ملی را تشویق و حمایت کنند، اما بدلیل تجمع بیش از حد جمعیت در زمان خروج، جان خود را از دست دادند. البته بجز تجمع، دلایل دیگری هم برای وقوع این حادثه مطرح شد. یکی از دلایل آن، پارک نامناسب یک بالغرد در نزدیکی خروجی ورزشگاه بود. آن زمان بسیاری از رسانه ها و مسئولان می گفتند ظاهرا در نقطه ای که بالغرد پارک شده بود، هیچ بانندی برای فرود وجود نداشت و تنها به علت کم کردن مسافت در این نقطه قرار داده شده بود. همین مساله باعث شده بود تا جمعیت حاضر نتوانند از درهای منتهی به بیرون از استادیوم استفاده کنند و دیدار میان ایران و ژاپن با هفت کشته به لیست دیدارهای فوتبال مرگبار اضافه شد.

لاله های سپید



دلخراش ترین حادثه ای که در جریان آن صدها تن از هموطنان مان جان خود را از دست دادند، حادثه منای عربستان است. دوم مهر سال ۹۴ برای خانواده حاجیانی که پدر و مادر یا اقوام شان را برای زیارت به خانه خدا فرستاده بودند، روزی فراموش نشدنی و دردناک است. حوالی ساعت ۱۱ صبح، وقتی حاجیان می خواستند برای آیین رمی جمرات را عزیمت کنند، اتفاق هولناکی در انتظار آنان بود. هرچه می گذشت، به حجم جمعیت در خیابان ۴۰۴ افزوده می شد. به دلیل بسته شدن خیابان های منتهی به محل رمی جمرات، نفراتی که زودتر حرکت کرده بودند، سر جای شان مانده و حاجیان بی خبر از همه جا، از پشت به جمعیت ساکن، نزدیک می شدند. جمعیت آن قدر زیاد شد که هیچ کس نمی توانست از جایش تکان بخورد و همه به یکدیگر چسبیده بودند. تیغ آفتاب، مستقیم می تابید و در آن گرمای زجراور عربستان، بسیاری از حاجیان گرمای زده شده بودند. گرمای بی تاب کننده از یک طرف و حاجیانی که از هر سمت به یکدیگر فشار می آوردند تا روزنه کوچکی برای نفس کشیدن پیدا کنند، فضای وحشتناکی ایجاد کرده بود.

آفتاب که تندتر شد، حاجی های زیادی از هوش رفتند و روی زمین افتادند. عده ای سعی کردند برای فرار از این شرایط مرگبار، راهی باز کنند. با این حرکت، بقیه هم به تکیا افتادند تا از وسط جمعیت یا گوشه و کنار خیابان، راهی پیدا کنند، اما جز عده بسیار معدودی از حاجیان که توانستند نجات پیدا کنند، عده زیادی با زیر دست و پا ماندند و با بخاطر خفگی یا گرما و تشنگی بیش از حد جان خود را از دست دادند.



ساعت ۱۸ روز

جمعه پنجم

فروردین ماه

سال ۸۴

ورزشگاه آزادی شاهد

یکی از حوادث مرگبار

بود. ۷ تماشاگر هنگام

خروج از ورزشگاه جان

خود را از دست دادند

